

## چالشهای سرمایه‌گذاری در خاورمیانه

محمد ا. ال. اربان

ترجمه: دکتر جعفر قامت

دکتر ال. اربان، معاون مدیر بخش

خاورمیانه ای صندوق بین الملل پول

می باشد. (IMF) این گزارش به کنوانسیون

مالی اروپا-مدیترانه ای که در ۷-۵ ژوئن

۱۹۹۶ در ایتالیا برگزار شده ارائه شده است.

امروزه مسئله موجود در مقابل اقتصاد

خاورمیانه این است که بتواند با یک میزان

ثابت و قاطع رشد نماید و بنابراین نیازمند این

موارد است:

۱. استاندارد زندگی و شرایط

اجتماعی به ویژه در کشورهای غیر نفتی

منطقه افزایش یابد.

۲. سطح بیکاری در برخی از

کشورهای منطقه کاهش یابد.

۳. برای شهروندانی که وارد بازار کار

می شوند شغل پیدا شود.

بنابراین، چالشی که در مقابل اقتصاد

خاورمیانه قرار دارد مسئله ساده ای نیست؛

زیرا رشد درآمد سرانه در چند سال گذشته

نتیجه از طریق پیوستن به این سازمان

می توان محصولات این صنایع بزرگ را به

شیوه بهتری در سطح بین المللی توزیع کرد.»

این استاد دانشگاه کویت در پایان

پیشنهاد کرد که کشورهای عضو شورای

همکاری خلیج فارس پایگاه صنعتی

پیشرفته ای احداث نمایند و پروژه های آن را

مورد حمایت مالی قرار دهند و همچنین در

کنار این پایگاه، سازمانی در جهت توسعه

بازار صادرات محصولات و متحول کردن

سیاستهای بازاریابی تشکیل دهند.

منابع:

۱. علی رستمی، «داراییهای ماوراء بحار کشورهای شورای

همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه،

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۶۶.

2. www.alahram.com

3. www. Zccf.org.ae

4. www. kuna. net. kw

5. www. arableague on line. org

هم به معنای مطلق آن و هم در مقایسه با سایر کشورها ناامید کننده بوده است. نسبت به سایر کشورهای منطقه نسبی است.

در عین حال این مشکل با فشاری که از طرف نیروی جوان و روبه رشد وارد می شود به شدت تشدید می شود.

در چنین وضعیتی شکل گیری یک سیستم اقتصاد بین المللی که بتواند سود افراد را در کشورهایی که قصد اصلاحات دارند بالا برد، یک نیاز اساسی است.

جای تعجب نیست که برای رشد اقتصادی کشورهای منطقه این کار در

دستور کار سیاست آنها قرار دارد و هر نوع کمکی که توانایی آنها را بالا ببرد و اقتصاد آنها را بهبود بخشد، باعث کارایی سرمایه گذاری به صورت فیزیکی و یا انسانی خواهد شد.

در حقیقت اقتصادهای بسیاری از این کشورها در حال تقویت است و هدف آن نیز سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بیشتر است.

برای آگاهی بیشتر مسایل اقتصادی و تشویق و سرمایه گذاری، این گزارش براساس دو مطلب استوار است:

۱. انجام سرمایه گذاری اخیر در منطقه خاورمیانه مفهومی مطلق است ولی

نسبت به سایر کشورهای منطقه نسبی است.

۲. با توجه به اینکه سیاست اقتصاد و

مالی در مجموع در برگیرنده ارتباط اقتصادی با اروپاست و این بررسیها به طور

کلی در سطح منطقه انجام شده است،

اختلاف اقتصادهای منطقه مورد بررسی

قرار نمی گیرد. به هر حال یافته های این

گزارش قابل تسری به همه کشورهای نیست،

بلکه بیشتر اقتصادهای منطقه را

مد نظر دارد.

با توجه به شناخت سیاست گذاران،

بررسی به عمل آمده نشان می دهد که برای

بالا بردن توان سرمایه گذاری در منطقه باید

تلاش زیادی به خرج داد. روشهای مورد نیاز

در این رابطه مشابه روشهای همان مناطقی

خواهد بود که در آنها تحولات اقتصادی رخ

می دهد. یعنی شامل کشورهایی که در

ابتکارات اروپا-مدیترانه مشارکت می کنند.

تقویت این روشها و حمایت دولت

به ویژه سرمایه گذاری دولتی در موارد

احساس ضعف باعث می گردد که اندوخته

ملی افزایش یافته و سیل سرمایه گذاری

خارجی به منطقه سرازیر شود و افرادی که در

خارج از کشور درآمد ارزی حاصل می کنند پول خود را وارد کشور نمایند. در واقع تعدادی از کشورها مانند مصر این مورد را در بخش سرمایه های خصوصی تجربه کرده اند.

### چرا باید به سرمایه گذاری اهمیت داد؟

در رابطه با روند رشد و ارتباط آن با سرمایه گذاری مطالب زیادی عنوان شده است، از جمله با اینکه در مقایسه با مصرف و هزینه های دولتی میزان سرمایه گذاری پایین است ولی باید آن را یکی از عناصر اصلی تولید ناخالص ملی (GNP) و یا کلید ساخت، سرمایه های فیزیکی و انسانی قلمداد نمود که موجب انتقال مدیریتهای پیشرفته و دانش فنی نوین می شود. در نتیجه سرمایه گذاری موجب اثرگذاری بر ماهیت و مسیر رشد اقتصادی است که به صورت مداوم در حرکت است. با در نظر گرفتن تجربیات قبلی، مطالعات مکرر نشان می دهد که کشورهایی که سرمایه گذاری عمده و مفیدی در آنها انجام شده است اما آمادگی رشد بیشتری را دارند. به ویژه اثرات رشد سرمایه گذاری بستگی به میزان سرمایه، چگونگی و کارایی آن دارد. البته

تفاوتهای عمده ای در رابطه با کارایی سرمایه گذاری در کشورها و حتی در نقاط مختلف یک کشور نیز به وجود می آید. میزان هزینه های سرمایه گذاری بخش خصوصی خواه از منابع داخلی و یا خارجی، بستگی به چگونگی برگشت پول هزینه شده دارد. متغیرها نیز در برگیرنده شرایط مورد نظر همانند میزان بهره و عوامل موجود برای کسب درآمد، (از قبیل وجوه دریافتی و تجارت) می باشد. این متغیرها به طرق مختلف با یک آهنگ متناسب با مدلهای گوناگون سرمایه گذاری ترکیب می شوند. کمک و تأثیر سرمایه گذاری بخش خصوصی بستگی به رشد اقتصادی و ارتباط با نقش سرمایه گذاری دولتی دارد و ممکن است اثرات مثبت و منفی از آن ناشی شود. بخش دولتی می تواند و باید به طور جسدی سرمایه گذاری امور زیربنایی، موارد عمده مثل بهداشت و آموزش و پرورش که بخش خصوصی قادر نیست و یا نمی خواهد آن را انجام دهد را به عهده بگیرد و در نتیجه باعث سرازیر شدن سرمایه بخش خصوصی به زمینه های دیگر می شود. این امر حالتی از سرمایه گذاری در بخشهای عمده

اجتماعی است که می‌توان آن را یکی از دروس «معجزه آسیای شرقی» قلمداد نمود. در حقیقت تجربه اقتصادی با نظم بالای آسیا (ژاپن، کره، سنگاپور و تایوان) نشانگر اهمیت دادن به آموزش و پرورش ابتدایی و خدمات عمده بهداشتی در مراحل ابتدایی روند توسعه است.

سرمایه‌گذاری بخش دولتی ممکن است بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر معکوس بگذارد، چنانچه سرمایه‌گذاری بخش دولتی با کسر بودجه مواجه شود، باعث فشار بیشتر بر میزان بهره و اعتبارات موجود شده و باعث خروج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از میدان می‌شود. این کار همچنین ممکن است باعث عدم توازن اقتصاد کلان شده و بازدهی پول سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کاهش دهد.

### سرمایه‌گذاری در خاورمیانه

در اینجا تعدادی از ملاحظات را که از بررسی سرمایه‌گذاری در منطقه خاورمیانه حاصل شده است. مرور می‌کنیم و به ۵ مورد آن به طور مشخص اشاره می‌نماییم.

۱. سرمایه‌گذاری در سطح پایینی صورت گرفت است، میزان اعتبار در منطقه پایین‌تر از سطحی است که برای کشورهای آسیایی با رشد سریع لازم است. برای مثال در سال ۹۶-۱۹۹۵ نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی (GDP) در خاورمیانه دو سوم آسیا بود.

۲. در اقتصادهای خاورمیانه‌ای توجه بیشتر به سرمایه‌گذاری امور نفتی و غیرنفتی مشاهده می‌شود. هر دو گروه این کشورها به رغم اینکه سطح درآمد و منابع آنها با یکدیگر تفاوت دارد، به طور مساوی منابع خود را صرف فعالیتهای سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

۳. تغییرات در سطح سرمایه‌گذاری ارتباط نزدیکی با افزایش قیمت نفت در سطح جهانی دارد. نوسانات سطح سرمایه‌گذاری با اندکی فاصله با افزایش قیمت نفت در سطح جهانی ارتباط می‌یابد و این نوسانات نه تنها برای تولیدکنندگان نفت بلکه برای تولیدکنندگان غیرنفتی نیز اتفاق می‌افتد.

۴. نسبت سرمایه‌گذاری دولتی به سرمایه‌گذاری خصوصی به نسبت بالاست و

بخش دولتی نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه منطقه سهم بیشتری از سرمایه گذاری در خاورمیانه دارا می باشد که با نقش تاریخی دولت در سرمایه گذاری و استخدام هماهنگی دارد. با توجه به سرمایه گذاری سطح پایین بخش خصوصی، این بخش سهم کمتری نسبت به سایر کشورها در سرمایه گذاری دارد. به عنوان مثال بر مبنای (GDP) این سرمایه گذاری نصف مقدار آن در آسیا است.

۵. منطقه سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کمتر جذب کرده و تا سالهای اخیر در جذب سهام نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه عقب افتاده است. ورود سرمایه های خارجی کم بوده و سهم زیاد آن مربوط به قسمت انرژی است. در نتیجه منطقه نه تنها قادر به جذب منابع قابل توجه سرمایه گذاری نبوده بلکه قادر به انتقال دانش فنی و تکنولوژی هم نگردیده است. به هر حال تا سال ۱۹۹۶ منطقه به دلیل نابرابری، سهم بسیار کمی (کمتر از یک درصد) از سهام سرمایه های کشورهای صنعتی را به خود جذب کرده است.

این پنج مرحله شناسایی مؤید این

مشی است که اولاً، در منطقه نیاز مبرمی به افزایش سطح سرمایه گذاری وجود دارد. ثانیاً، این روند باید توسط سرمایه گذاری بخش خصوصی هدایت شود که می تواند از منافع داخلی یا خارجی باشد. این نظریه اکنون توسط بیشتر کشورهای منطقه مورد شناخته شده است و از نظر اقتصادی مورد قبول می باشد.

با در نظر گرفتن کارآیی سرمایه گذاری دیدگاه کلی این است که این موردی از فعالیتها به ویژه بخش خصوصی است. ولی برگشت سرمایه گذاری بخش دولتی مربوط به آموزش و پرورش و بهداشت که عوامل کلیدی در رشد دراز مدت هستند و پتانسیل رشد را افزایش می دهد نیز مورد مطالعه می باشد. به طور مثال، در کشورهای عربی مشخص شده است که در رابطه با تولید ناخالص داخلی آنها نسبت به سایر کشورهای منطقه منابع دولتی بیشتری را صرف می کنند. همین مشکل در رابطه با بهداشت نیز مطرح است با این همه نتیجه در رابطه با پیشرفت منابع انسانی ناامید کننده است.

توضیح مسئله را می توان در این موارد

مشاهده نمود:

## موقعیت اقتصاد کلان

در سالهای اخیر پیشرفت‌های زیادی در اقتصاد خاورمیانه ای صورت گرفته است.

نرخ تورم به ویژه در کشورهای غیر نفتی به شدت کاهش یافته و در همان حال در ذخایر بین المللی آنها افزایش مشاهده می شود. دلیل اصلی بهبود تراز مالی آنها را باید در کاهش کسر بودجه این کشورها دید. این کار باعث رشد کم پولی و آینده بهتری برای

اعتبارات مالی جهت فعالیتهای تولیدی در بخش خصوصی گردیده است. برای آینده نگرى بهتر باید تأکید بیشتری بر امور مالی و اصلاحات صورت گیرد. به ویژه تجارت آزاد در مورد موافقتنامه با جامعه اروپا باعث می شود نرخ مالیات تجارت بین المللی کاهش و مالیات فعالیتهای داخلی افزایش یابد. در بیشتر کشورها این مسئله به معنی مصرف زیادتر و مالیات بردرآمد و بهبود وضعیت مدیریت مالیاتی است.

به طور کلی اجرای این اصلاحات ساختاری در مقایسه با سایر کشورها در منطقه خیلی کم رشد کرده است. کشورهای غیر عضو شورای همکاری خلیج فارس به صورت جمعی در مقابل برتری بخش دولتی و

۱. ترکیب هزینه ها، به طور مثال،

مقایسه با آموزش ابتدایی سهم بیشتری به آموزش عالی اختصاص یافته است؛

۲. ضعف تحویل در سیستم؛

۳. انگیزه های ناکافی جهت به

حداکثر رسانیدن برگشت سرمایه از سرمایه گذاران انسانی (به ویژه تغییر بازار کار).

## مفهوم سیاست گذاری

با مشخص کردن خط مشی هایی که در اولویت قرار دارند این مسئله مطرح است که چگونه باید با آنها روبه رو شد. در حقیقت برای سرمایه گذاری مفید و موفق در سه مرحله توافق حاصل شده است:

۱. موقعیت اقتصاد کلان ماندگار و

ثابت.

۲. اصلاحات ساختاری جهت

بالا بردن برگشت از سرمایه گذاری بخش

خصوصی و دولتی،

۳. تقویت مکانیزم سیستم اطلاعاتی و

تشکیلاتی.

تسلط اقتصادی آن و همچنین تعرفه‌های خارجی مقاومت می‌کنند.

در مورد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس موضوع مهم محدودیت مشارکت بخش خارجی به ویژه در مورد بانکداری و بازار است. اگر چه مدتی است این محدودیت رو به کاهش می‌باشد و اخیراً تغییر قابل توجهی در مورد کشورهای خاورمیانه در رابطه با اصلاحات ساختاری مشاهده می‌شود.

**تأکید و اهمیت بیشتر بر روی:**

۱. خصوصی سازی؛

۲. جابه جایی فعالیت داخلی (در بعضی بخشهایی که قبلاً دولت در آن فعالیت داشت اکنون بخش خصوصی اجازه فعالیت یافته است)؛

۳. بهبود و افزایش آزادی تجارت با خارج؛

۴. گسترش بازارهای مالی؛

۵. تقویت شبکه ایمنی اجتماعی به منظور حمایت از گروههای آسیب پذیر، به ویژه افرادی که در دوران اصلاحات به شدت آسیب می‌بینند.

سرمایه گذاری بخش دولتی نیازمند پیشرفت مداوم است تا بتوان کارآیی مصرف هزینه ها و کاهش تولیدات با ظرفیت پایین و افزایش منابع جهت امور زیر بنایی مورد نیاز را برآورد و ارزیابی نمود.

پیشرفت در اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری به تقویت مؤسسه ها و مکانیسم آنها و همچنین وجود داده های اطلاعاتی نیاز دارد. در حقیقت تجربه بین المللی به طور واضحی نشان می دهد که این عوامل در همان حال که توجه کمی را به خود جلب می نماید، در روند توسعه اقتصادی بسیار اهمیت دارند. از نقطه نظر بین المللی ما اطلاعات زیادی را جهت آگاهی بازار مشاهده می کنیم چون خیلی از کشورها آن را به نفع خود می دانند. چنین اطلاعاتی باعث افزایش تشخیص توسعه اقتصادی در منطقه شده و بر نابسامانیهای بازار که نتیجه اطلاعات غلط می باشد فایق می آید و از به هم ریختگی بازار جلوگیری می نماید.

منطقه در این مورد پیشرفت زیادی نموده است. سازمانها نیز به همین نحو تحرک پیدا کرده اند و با عواملی مانند صندوق مالی عرب تقویت شده اند. به هر حال

اقتصادی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به ویژه برای بخش خصوصی می‌شود و همچنین معلوم می‌کند چه زمانی تجارت خارجی آزاد و استانداردها هماهنگ می‌گردد.

۳. باعث تقویت اعتبار اقدامات اصلاح طلبانه کشورهای خاورمیانه از طریق تحکیم روابط با جامعه اروپا می‌شود.

۴. باعث تقویت انگیزه‌های تسلیحاتی بیشتر و تقویت هم‌گرایی اقتصادی میان کشورهای خاورمیانه می‌شود.

۵. منابع مالی که توسط جامعه اروپا و کمکهای بانک سرمایه‌گذاری اروپا صورت گرفته می‌تواند انجام وعده‌هایی را که زمینه تحول مسایل تلقی می‌شود تسهیل نماید.

حایز اهمیت است که تأکید کنیم خطرهای قابل توجهی در این خصوص وجود دارد و نتایج آن به طور خودکار تحقق نخواهد یافت بلکه بیشتر بستگی به ماهیت توافقات و اجرای مداوم اصلاحات توسط کشورهای خاورمیانه دارد.

راه‌حلهای جاری اروپا-مدیترانه‌ای تأثیر خود را بر تعدادی از کشورهای مهم خاورمیانه گذاشته و این امر منجر به

در رابطه با تهیه اطلاعات اقتصادی و مالی دورنمای خوبی مشاهده می‌شود ولی در عین حال به منظور تکمیل این پیشرفت جدید باید گامهایی برداشته شود تا:

۱. هماهنگی بین مقامات مالی و اقتصادی بهبود یابد؛

۲. کنترل مرکزی در چارچوب اقتصاد کلان تقویت شود؛

۳. ساختارهای تنظیم‌کننده شامل قوانین ضدتر است، حقوق مالکیت شفاف و نظارت تقویت شود؛

مؤسسه‌های منطقه‌ای خواه قدیمی و یا جدید و راه‌حلهای منطقه‌ای به نوبه خود نقش مهمی را ایفا می‌کنند، در این رابطه این روزها به اثرات هماهنگی اقتصادی رو به رشد بین اتحادیه اروپا (EU) و اروپای شرقی و اقتصادهای جنوب دریای مدیترانه توجه زیادی می‌شود. ابتکار یا راه حل اروپا و حوزه دریای مدیترانه در پنج مسیر عمده بر این روند تأثیر می‌گذارد:

۱. باعث بالارفتن آگاهی عمومی از اصلاحات ساختاری می‌شود که پیش روی اقتصاد منطقه قرار دارد.

۲. باعث ارایه نقشه‌ها و راه‌حلهای